



## کلد دبوسی

بقلم و. فرنگیان

«کلد دبوسی» از بزرگان موسیقی عصر حاضر است که موسیقی را طرزی نوین داده چنانکه حدود قوانین کلاسیک را درهم شکسته یک موسیقی مخصوص بخود ایجاد نمود بدون اینکه «زبدائی» را از میان ببرد. مقام و منزلت او بزرگتر از آنست که گمان می‌رود چه پی بردن بر نکات ظریف موسیقی او و فهمیدن آن مستلزم داشتن اطلاعات کافی از موسیقی است با اصطلاح نقادان «مبارک کوش» و «رزینده» و آزموده داشت تا بتوان زبان عجیب دبوسی را فهمید. زیرا موسیقی دبوسی حالت مخصوص و ناجوری در شنونده تولید میکند که با عدم عادت نمیتوان در آن باره اظهار عقیده نمود.

این موسیقی دان فرانسوی در ۲۲ اوت ۱۸۶۲ در سن ژرمن آن له (تزدیک پاریس) از خانواده بیچیزی که بازرگانی ظروف چینی میکرد بجهان آمد. تحصیلات ابتدائی کلد ناقص بود وی بعد ها بوسیله مطالعات و همنشینی با ادبا بویژه «پیرلویس» توانست این نقص را برطرف کند چنانکه نامه های وی در بیست سالگی بر این موضوع کاملاً گواهی میدهد.

پدر دبوسی که میل زیادی بموسیقی داشت از زمان طفولیت دبوسی را بتاتر میبرد و گذشته از این غالباً موسیقی های نظامی و ملی پرده کوش حساس او را به

باهتزاز میاوردند بطوریکه تأثیر ملدی های ملی فرانسوی در بسیاری از نوشته های موسیقی دبووسی نمایان است .

دبووسی در نه سالگی نزد یکی از استادان ایتالیائی شروع باآموختن پیانو کرد ولی استاد نامبرده در این کودک ذوق درخشنده ملاحظه نکرده بود تا روزی يك زن بنام (Mme. Fleurville) که یکی از شاگردان شپن بود (پیانو زدن او را پسندید و کلد پس از چند ماه توانست بکنسر و اتوار یاریس داخل شود . در کنسرو اتوار



اشیل - کلود دبووسی در بچگی ( ۱۸۶۷ )

همکلاسان او را کودک سنگین ، قد کوتاه ، خجل ، با پیشانی مضاعف ( چون خیلی بزرگ بود ) بخاطر میداشتند و هیچوقت حدس نمیزدند که دهای آینده در میان آنها است « پول ویدال » بعد ها او را شناخت و کلد را « با موهای ژولیده در روی پیشانی افتاده و در موقع پیانو زدن با حالت متمرکز و وحشی بخاطر سپرده و میگوید : « نواختن او قابل توجه و عجیب ولی از حیث قوانین پیانو زدن بدون عیب نبود » .

در ۱۸۷۷ باوجود اینکه بیش از ۱۴ سال نداشت موفق بگرفتن جایزه

درجه دوم کنسر و اتورگشت و این باعث شد که روزنامه نگاران عقیده پیدا کنند که در ۱۵ سالگی جایزه درجه يك بدون شك بهره او خواهد گردید ولی این عقیده باطل ماند چون فوق و پیشه (Talent) او خیلی مخصوص بخود و با قوانین محدود کنسر و اتوار پاریس کمتر سازگار بود: در موقع نواختن هر قطعه موسیقی احساسات و روش ویژه خود را آشکار میکرد و حتی اتودهای «باخ» را با احساسات مینواخت.

در این هنگام دبوسی در نزد استاد ماهر «سزار فرانک» هنر امپروویزاسیون (Improvisation) را می آموخت این هنر پیشه بطرز فکر کردن شاگردش زیاد تأثیر کرده است.



حال بشرح بعضی عوامل و اتفاقاتی که روح این موسیقی دان را تقویت و راهنمایی کرده است میپردازیم:

چون دبوسی متکفل خانواده خود بود و برای کسب معاش جزء موسیقی - دانهای سه گانه بود که در قصر مادام مک (Meck) مینواختند - این بانوی هنرمند دوست دار هنرهای زیبا بود. در ۱۸۷۹ دبوسی با اتفاق مادام مک بونیز بعد بویین و بالاخره بمسکو رفت. درونیز بافتخار ملاقات «ریشارد واگنر» نائل گردید و چنانکه خواهیم دید این شخص در موسیقی دبوسی نفوذ فوق العاده مهمی اجرا کرده است - در وین در نمایش «تریستان و ایزولت» و واگنر حاضر شد و یاد بود این نمایش همیشه در خاطرش نقش بست و میتوان گفت که هارمونی مدرن یعنی کروماتیک (Chromatique) (مخصوصاً آن قسمتی که بعد ها با اسم دبوسیسم معروف شد) مشتق مستقیمی از تریستان میباشد - در روسیه «ریمسکی کرسا کوف» و «بورودین» جلب توجه او را کرده و راه های اکتشافی تازه برای هارمونی مدرن باو نشان دادند در اینجا لازم بتوضیح

است که بطور کلی موسیقی هنرپیشگان سابق الذکر Style سبک شرقی دارند و این موضوع هم در موسیقی دبوسی محسوس است. ده سال بعد دبوسی در نوشتن Jeux d'eau «بازیهای آب» در جزئیات مخصوص که «بورودین» در La Reine de mer «ملکه دریا» و La Princesse endormie بکار برده بود استفاده کرده و این تأثیر بورودین در «نوبهار آمد» و Voici le printemps «گلرخی که در جنگل غنوده» La Belle au bois dormant (۱۸۹۳) دیده میشود.



پروفسور علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

آشیل - کلود دبوسی زمان تحصیل در کنسرواتوار (۱۸۷۴)

بعد از بازگشت از مسکو او در سهای کنسرواتوار را ادامه داده موفق باخذ دانشنامه عالی هارمونی (۱۸۸۰) و بالاخره جایزه اول گردید. در این موقع کلد آشنائی با زنی پیدا کرد که تأثیر شایان و طولانی در موسیقی دان جوان نمود. این بانوی زیبا تحصیل کرده (Vasmier مادام) زن يك معمار پاریسی

بود . دبوسی در تمام مدت ۱۸۸۰-۱۸۸۵ نزد آنها اقامت داشت و در آنجا توانست نقصان فکری و ادبی خود را جبران کند . او علاقه مخصوصی نسبت باین خانواده داشت بعدی که بعد ها برای دور نماندن از آنها از استفاده « جایزه رم » خود داری کرد بیشتر قطعات موسیقی خود را در منزل خانواده « واسمیه » نوشته است و دختر واسمیه در این باب چنین مینویسد :



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دبوسی در سال ۱۸۹۵

« او عصرهای خود را نزد ما میگذراند در جلو پیانو گاهی در حال راه رفتن بسازندگی مشغول می شد و با آسانی بدیهه سرائی و بدیهه سازی می کرد و قطعات خود را میخواند در حالتیکه سیگارش را همیشه در دهان داشت در سال ۱۸۸۴ دبوسی باخذ جایزه بزرگ رم نایل شد و باوجود اینکه میتوانست سه سال در Villa de Médicis بخرج دولت بماند و بنوشتن قطعات موسیقی پردازد باز از استفاده مادی این جایزه صرف نظر کرد چون روح آزاد او توانائی اقامت در يك مکان معین و محدود را نداشت و از طرفی هم یاد دوستی « واسمیه » ها او را بیپاریس میکشید

لذا در همان سال بیاریس برگشته و شروع بتصنیف موسیقی نمود.

در ۱۹۰۲ دبوسی شاهکار خود یعنی « پلئاس و هلیزاند » Pelléas et Melisande را نوشت و بوسیله آن توجه عامه را بخود جلب نمود و اولین بار در « اپرا کمیک » این شاهکار بمعرض نمایش گذاشته شد و صورت يك پیشامد شایان دردنیای موسیقی بخود گرفت. بعضی روزنامه نگاران بویژه آنان که از عادات و رسوم کهن خود دست بردار نیستند انتقاد های شدید و زننده درباره او نگاشتند ولی کم کم زیبایی و تأثیر شگفت آور موسیقی دبوسی بر انتقاد های بی اصل غلبه کرد چنانکه بسیاری از موسیقی دانها که نسبت بموسیقی اوبی اعتنا بودند بر زیبایی و تازگی هیجان آور موسیقی دان سر فرود آوردند.

یکی از روزنامه نگاران درباره پلئاس میگوید که آن « نماینده عوالم روحی دبوسی است ».

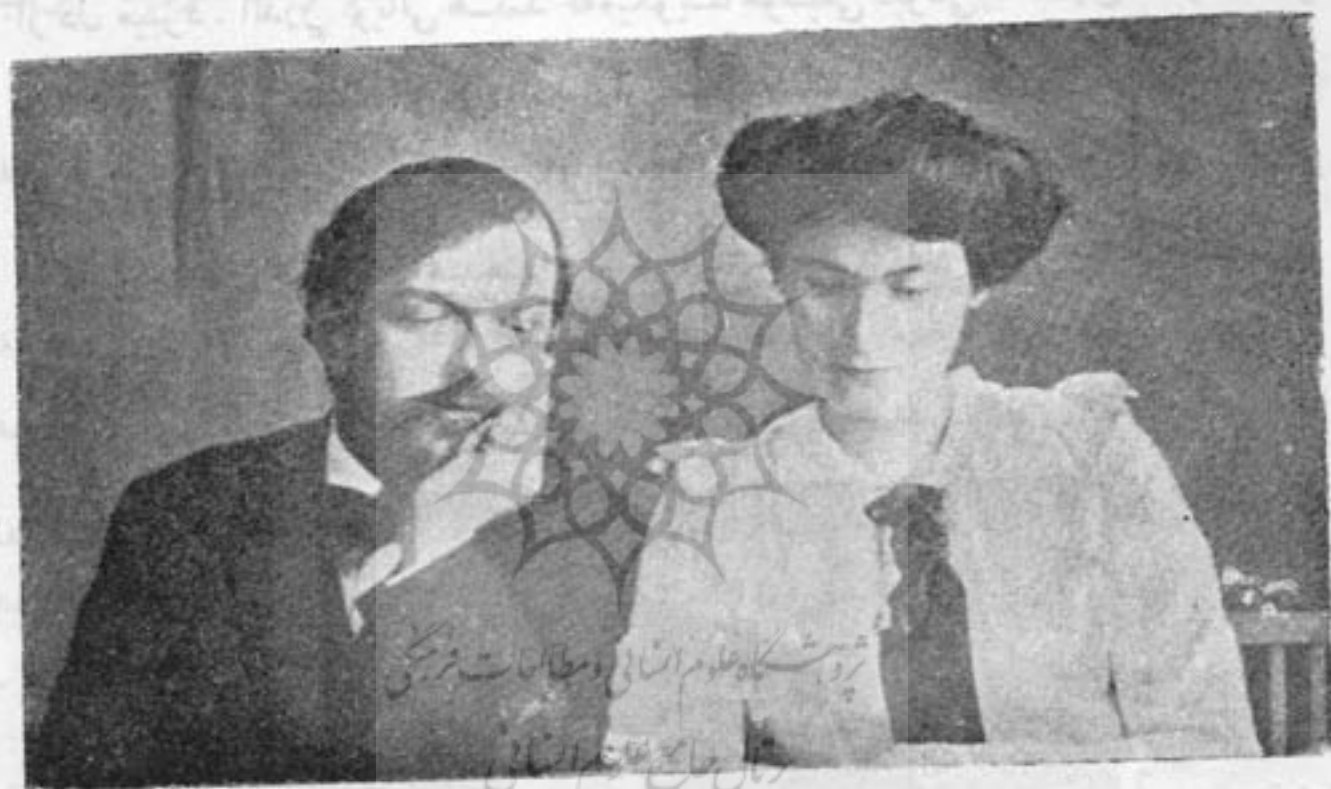
از قطعات منتشره دبوسی میتوان « پسین يك دیودوالپا » L'après-midi d'un Faune - « كودك اعجوبه » La Mer - L'Fenfent prodige « دریا » و « شبگردان » Nocturnes مخصوصاً ابرها Les nuages را محسوب داشت.

در ۱۹۰۸ دبوسی بانگلستان رفته چند قطعه از موسیقی خود را بنواخت و موفقیت درخشانی بهره گرفت و در هنگام دیگر بازدید خود رسید چه توانسته بود از قید رسوم و قواعد بیرون رفته موسیقی و رویه « دبوسیسم » را ایجاد کند که تمام دنیای موسیقی را مبهوت و متزلزل نماید ولی چنگال مرگ مجالش نداد که کار بی مانند خود را ادامه دهد و در ۲۵ مارس ۱۹۱۸ درگذشت.

\*\*\*

چنانکه گفتیم دبوسی را بزرگترین موسیقی دان فرانسوی و جهان میتوان شمرد و او سر سلسله موسیقی دانهایی است که منتقدی درباره شان گفته است: « ما اکنون نمیتوانیم در بزرگواری آنان پژوهش کنیم بلکه این وظیفه آیندگان است » از این

جمله موسیقی دانه‌ها می‌توان دبوسی - استراوینسکی - ونسان دندی و راول را شمرد.  
از جمله تغییراتی که در موسیقی کفونی داده شده است موضوع Septaccord  
میباشد. در يك كمنتر پوان کلاسیك در موقع نواختن يك « سپتا کر » مطابق قوانین  
لازم است بیدرنگ آن سپتا کور بوسیله يك « آ کر » کامل دنبال شود در صورتیکه  
در موسیقی جدید يك ردیف از « سپتا کر » که پشت سر هم نواخته میشوند مثلاً حس و هم  
رنج یا حس شهوت یا تمام را مجسم میکنند.



دبوسی و زنش Rosalie Texier در ۱۹۰۲

نباید فکر کرد که این آزادی کار نوشتن موسیقی را آسانتر میکند بلکه  
برعکس اگر این رویه را بد بکار ببرند موسیقی بدون هارمونی زننده و نامطبوع بدست  
میآید و این مثل یکی از اختلافات بین موسیقی قدیم و جدید میباشد و بیش از این  
از لحاظ کمی جا ذکر نکرده خودداری میشود.

شنیده شده است که کسانی موزیک دبوسی را بدون ملودی می‌گویند و  
این اشتباه بزرگی است قطعات موسیقی دبوسی از ملودی خالی نیست. بلکه بوسیله

ترکیب آگرهای درهم و بانتهای زیور عجیب و شکفت آور بدست میآید و آنکهی  
طنین و جنبش (Mouvement) ملودی های دبوسی زیاد بر جسته نیست .  
بر عکس ملودی های سازندگانی که جلوتر از واکنر فراز آمده اند. اگر کسی در  
موسیقی دبوسی ملودی نبیند از آنست که بشنیدن موسیقی ابتدائی و ساده عادت  
دارد موسیقی دبوسی تأثیر شکفتی پدید میسازد و شنوندگان را مسحور و بیخود  
مینماید اگرهای عجیب وی در روح شنوندگان نفوذ یافته تاب اختیار و مقاومت  
از دل میبرد. اندرز گویانی هستند که میگویند موسیقی دبوسی را «بدون مقاومت فکر  
باید شنید و سپس تسلیم او گردید و بهتر آنست در یک اطاق تاریک جا گرفت». شهرت  
این موسیقی دان نوین روز بروز در افزایش است. نوازندگان کنسرت های بزرگ قطعات او  
را در برنامه های خویش جا میدهند و او در تاریخ موسیقی مقام شایانی را داراست .

پایان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کلود دبوسی